

ترجمه جناب سید مبشر خان طرازی

ادبیات

بدایع

(۲)

نوع پنجم از وجوه حسنات معنوی

مزاجه

و آن عبارت است از مساوات در معنی واقع در شرط و جزاء

در ترتب معنی دیگری، مثل قول بجزی (۱) در وصف محبوبه خود.

اذا ما نسی الناهی فلیج بی الهوی اصاحت الی الواشی فلیج بها الهجر

چه درین شعر در بین شاهی ناهی و اشقی و واقع در شرط (اذا ما نسی الناهی) و در بین

اصاخه محبوبه به و اشقی واقع در جزاء (اصاحت الی الواشی) در ترتب معنی دیگر

(لجاج) مساوات شده است، چه معنی لجاج بهر کدام نسی ناهی، و اصاخه

محبوبه به و اشقی ترتب دارد (۲).

(۱) و آن ابو عباده الوالد بن عبید الطائی است که یکی از نوایغ شعرای عصر خلفای عباسیه -
بوده، در سنه ۲۰۶ تولد، و در سنه ۲۸۴ وفات یافته است.

(۲) وقتی که نسی کننده مرا از محبت محبوبه نسی، و عشق بر ایمن لزوم و دوام بنماید
محبوبه به سخن دروغ گوی سخن چین گوش داده، برایش هجر لزوم و دوام خواهد نمود.

نوع ششم از وجوه محسنات معنوی

عکس

و او را تبدیل نیز مینامند، عبارت است از تقدیم جزوی در کلام باری، و تاخیر آن بار دیگر صنعت عکس (تبدیل) بصورت‌های ذیل متصور میگردد:

الف) عکس درین یکی از دو طرف جمله، و درین مضاف الیه طرف مذکور وقوع مییابد، مثل قول قائلی که «عادات السادات، سادات العادات» چه درین قول درین یکی از دو طرف جمله (عادات) و درین مضاف الیه طرف مذکور (سادات) عکس و تبدیل وقوع یافته است، چه باری عادات، بر سادات تقدیم، و بار دیگر تاخیر گردیده است.

ب) عکس درین دو متعلق دو فعل در دو جمله وقوع مییابد.

مثل آیه «بِخَرَجِ الْحَمِيِّ مِنَ الْمِيْتِ، وَ بِخَرَجِ الْمِيْتِ مِنَ الْحَمِيِّ.»

چه درین آیت درین دو متعلق (من المیت، من الحمی) دو فعل (بِخَرَجِ) عکس و تبدیل وقوع یافته است، زیرا در جمله اول (بِخَرَجِ الْحَمِيِّ مِنَ الْمِيْتِ) الحمی بر المیت، و در جمله ثانی (وَ بِخَرَجِ الْمِيْتِ مِنَ الْحَمِيِّ) المیت بر الحمی تقدیم گردیده است.

ج) عکس درین دو لفظ در دو طرف دو جمله وقوع مییابد.

مثل آیه «لَا هُنَّ حُلٌّ لِهِمْ، وَلَا هُمْ يَحْلُونَ لِهِنَّ أَنْثَانِي»

چه درین آیت درین دو لفظ (هُنَّ، هُمْ) دو طرف دو جمله عکس و تبدیل وقوع یافته است زیرا در جمله اول (لَا هُنَّ حُلٌّ لِهِمْ) لفظ هُنَّ بر لفظ هُمْ، و در جمله ثانی (وَلَا هُمْ يَحْلُونَ لِهِنَّ) لفظ هُمْ بر لفظ هُنَّ تقدیم گردیده است.

نوع هفتم از وجوه محسنات معنوی

رجوع

و آن عبارت است از رجوع بسوی کلام سابق بطریق نقض و ابطال، از جهت

نکته مثل قول زهیر ابن ابی سلمی (۱) :

قف بالذی یارالتی لم یعفها القدم - بلی وغیرها الارواح والذیم (۲)
 چه در مصرع اول محو آنرا انکار نموده ، در مصرع ثانی مضمون مصرع سابق را
 نقض و ابطال کرده است بنکته اظهار تحیر و بیدوشی و یا اظهار تحسر و تحزن .

نوع هشتم از وجوه محسنات معنوی

توریه

و او را ابهام نیز می نامند ، و آن عبارت است از ذکر لفظی که دو معنی قریب ، و
 بعید داشته باشد ، ولی معنی بعید را اراده کرده شود :

توریه بدو نوع ذیل متنوع میگردد ،

(ا) توریه مجرد

و او عبارت از توریه نیست که در سوق کلام بما یلازم معنی قریب جمع
 میآید ، مثل آیه « الرحمن علی العرش استوی »

چه درین آیت لفظ « استوی » ذکر گردیده است که دو معنی قریب
 (استقرار) و بعید (استیلاء و غلبه) دارند ، کلمه اولی مراد معنی بعید (استیلاء
 و غلبه) است ، و درین آیت چیزی ذکر نگردیده است که به معنی قریب
 (استقرار) ملایمت و مناسبت داشته باشد .

(ب) توریه مرشحه

و او عبارت از توزیه نیست که در سوق کلام بما یلائم معنی قریب جمع میآید ،

(۱) سوم نوابغ طبقه اول جاهلیت بوده یک سال پیش از بعثت وفات یافته است .
 (۲) دزدیاری (دیاراجه) واقف باش که آثار او را قدم (قدیم بودن) محو ساخته
 است بلی محو ساخته است ، و تقیر داده است او را بادها ، و بارشها .

مثل « آیه و السماء بنینا ها باید »

چه درین آیت لفظ « ایدی » ذکر گردیده است که دو معنی قریب (دست) و بعید (قدرت) دارد ، ولی مراد معنی بعید (قدرت) است ، و درین آیت چیزی (بناء ، در بنینا ها) ذکر گردیده است که بمعنی قریب (دست) مناسبت دارد .

نوع نهم از وجود محسنات معنوی

استخدام

و او دو نوع است ، اول عبارت است از ذکر لفظی که دو معنی مراد داشته باشد و در عین حال یک معنی را بخود لفظ ، و معنی دیگر را بضمیر آن لفظ اراده کرده شود مثل قول چرب (۱)

اذ انزل السماء بأرض قوم — و عیناه وان کانا و اعضاءا

چه درین شعر لفظ « اسما » ذکر گردیده است که در اینجا دو معنی مجازی مراد دارد - (یکی بارش ، و دیگری گیاه) معنی اول (بارش) بلفظ « اسما » و معنی ثانی « گیاه » - بضمیر وی (در عیناه) اراده شده است ، (۲)

نوع دوم استخدام عبارت است از ذکر لفظی که دو معنی مراد داشته باشد - یک معنی را بذریعۀ ضمیری ، و معنی دیگری را بذریعۀ ضمیر دیگری (که هر دو بلفظ موصوف راجع میگردد) اراده کرده شود ، - مثل قول بختری که - فسقى الغضا و السا کینه وان م — شوه بین جوانجی و ضلوعی ، (۳)

(۱) و او جریر بن عطیه از نوابع عصر صدر اسلام بوده ، در سنه ۴۲ هـ تولد و در سنه ۱۱۰ هـ وفات یافته است

(۲) مضمون ، چون بزمین قومی بارش شد ، گیاه او را میچریم ، و اگر چه بودند غضبانك شاعر درین شعر نفوذ و غلبۀ قوم خود را تصویر داده است .

(۳) پس سیراب گرداند خداوند غضا ، و باشندگان غضا (جای غضا) را ، و اگر چه آنها بر افروختند غضا (آتش غضا) را در بین تمامی اجزا ، و اعضای من .

چه درین شعر لفظ « الغضا » (بمعنی نوعی از درخت خود رو) ذکر دیده است. که در اینجا - دوم معنی مجازی مراد دارد ، (یکی جائی که درخت موصوف وجود دارد ، و دیگری آتشی که از درخت موصوف حاصل میگردد) معنی اول بذریعۀ ضمیر « الساکنیه » و معنی دوم بذریعۀ ضمیر « شبوه » که هر یک بلفظ « الغضا » راجع میگردد ، اراده شده است .

نوع دهم از وجوه محسنات معنوی

لف و نشر

و آن عبارت است از ذکر معانی متعددی ، با ذکر معانی متعدد دیگری که بهر کدام معانی سابقه تعلق و ربطی داشته باشد ، و این بدو صورت متصور میگردد ، اول صورتی است که معانی متعدد بطریق تفصیل ذکر شود . و این صورت نیز بدو نوع ذیل متنوع میگردد .

الف (ل ف و نشر مرتب :

و آن عبارت است از نشری که بروفق ترتیب ل ف (یعنی اول به اول ثانی به ثانی و هكذا) صورت بگیرد ، مثل آیه (و من رحمته جعل لكم الليل والنهار ، لتسكنوا فيه ولتبتغوا من فضله) چه درین آیت معانی متعددی (لیل ، و نهار) بطریق تفصیل و معانی متعدد دیگری (سکون و طلب رزق) که بطریق ترتیب (اول به اول ثانی به ثانی) معانی متعدد سابق تعلق و ربط دارد ذکر گردیده است ، چه شکی نیست که سکون به شب ، و طلب رزق به روز تعلق و ربط داشته میباشد نه بالعکس .

ب (ل ف و نشر مشوش :

و آن عبارت است از نشری که بروفق ترتیب ل ف صورت نگیرد .

مثل قول شاعری که .

کیف اسلوانات حقف و غصن و غزال ، لطفاً و قدماً و ردفا

چه درین شعر لحظ به غزال ، قد به غصن ، ردف به حقف بغیر ترتیب لف تعلق دارد ، (۱)

ثانی ، صورتی است که معانی متعدد بطریق اجمال ذکر شود .

مثل آیه « وقالون یدخل الجنة الامن کان هوداً او نصاری »

چه درین آیت در ضمن و قالوا (که صیغه جمع مطلق بوده به یهود و نصاری شمولیت دارد) معانی متعدد (و قالت الیهود لن یدخل الجنة ، و قالت النصاری لن یدخل الجنة) اجمالاً ذکر گردیده است که به اول الامن کان هوداً ، و به ثانی او نصاری . تعلق و ربط دارد ، که او را لف و نشتر مرتب توان گفت ، گویا هر کدام طائفه یهود ، و طائفه نصاری استحقاق دخول جنت را از غیر سلب و به خود حصر نموده اند .

نوع ۱۱ از وجوه محسنات معنوی

جمع
شبه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
و از عبارات است از جمع معانی متعدد در حکم واحد .
و آن بدو صورت ذیل متصور میگردد
جامع علوم انسانی
(۱) جمع درین دو معنی .

مثل آیه (المال والبنون زینة الحیاة الدنیا .)

(۱) مضمون ، چگونه به فراق تو صبر توانم نمود و حال آنکه تو مانند ریگ توده ای از جنبه پشت ، و شاخی از جنبه قد و قامت ، و غزالی از جنبه نگاه .
افزاده تشبیهات صحیح است ، با استثناء تشبیه ردف به حقف ، مگر در عرف شعرای عرب که به این تشبیه به اندکی مناسبت تعارف دارند . « طرازی »

چه درین آیت درین دو معنی (مال ، بنون) در حکم واحد (زینت زندگی
 یست بودن) جمع گردیده است .

ب) جمع درین سه معنی مثل قول الی العناهیة (۱) که .

علت یا مجاشع بن مسعدہ ان الشباب والفراغ والجدہ - مفسدۃ للمرء ای مفسدہ

چه درین شعر (۲) درین سه معانی (شباب ، فراغ ، جدہ) در حکم واحد
 (سبب فساد بودن) جمع گردیده است ؛

نوع از وجوه حسنات معنوی

تفریق

و آن عبارت است از ابقاع تباین درین دو معنی از نوع واحد ، در مدح

و غیره ، مثل قول رشید الدین (۳) وطواط :

(۴) مانوال الغمام وقت ربیع کنوال الامیر یوم سغاء
 فنوال امیر بدرۃ عین و نوال الغمام قطرة ماء

چه درین شعر درین دو نوال (نوال غمام و نوال امیر) که از یکجنس

(۱) وی اسماعیل بن القاسم بن سوبید است ، از نوابغ شعراء دولت عباسیه بوده در سنه

۲۱۱ هـ در بغداد وفات یافته است .

(۲) این شعر از شطرهای بحر رجز بوده هر شطر (مصرع) آن در حکم یکیت است ،

مضمون - ای مجاشع بن مسعدہ من انهم که تحقیق جوانی ، بیکاری ، توانگری باعث بزرگی
 است برای فساد پیشگی مرد .

(۳) از تلامذہ صاحب تفسیر کشاف علامہ محمود بن عمر الزمخشری میباشد ، اصلا

بلخی بوده در سنه ۵۷۳ هـ وفات یافته است ، وی نیز درین فن تألیفی بنام (حدائق السحر
 فی دقائق الشعر) دارد .

(۴) بدرۃ عین را علامہ تفتازانی به ده هزار درهم تفسیر نموده است ، مضمون عطاء ابر

در وقت ربیع مانند عطاء امیر در روز سخاوت نیست ، چه عطاء امیر بدرۃ عین (ده هزار

تنگه) است و عطاء ابر قطرة آب . (طرازی)

(مطلق نوال) است ایقاع تباین شده است ، چه نوال غمام را به قطره ماء ، و نوال امیر را به بدره عین امتیاز داده است .

نوع ۱۳ از وجوه محسنات معنوی

تقسیم

و آن عبارت است از ذکر معانی متعدد ، و اضافه متعلق هر کدام آن بسوی خود بطریق تعیین (۱) مثل قول متمس (۲) که .

(۳) و لایقیم علی ضیم براد به الا الاذلان غیر الحی و الوتد

هذا علی الخسف مربوط برمه و ذابیح فلا یرقی له احد

چه درین شعر معانی متعدد (غیر ، و تد) ذکر گردیده ، به اول (غیر) ربط علی الخسف ، و به ثانی (و تد) شج ، بطریق تعیین اضافه و نسبت شده است .

تا تمام



(۱) بلفظ - بطریق تعیین - لف و نشر خارج میگردد ، چه درین صنعت اگر چه معانی متعددی با متعلقات خود ذکر میگردد ، ولی در ارجاع متعلقات تعیین نبوده ، به خود سامع اعتماد می رود .

(۲) و او جر بر بن عد المسبح است و از طبقه هفتم شعراء جاهلیت است .

(۳) هیچ احدی با وجود ظلمی که برایش خواسته میشود اقامت نخواهد کرد و تن نخواهد داد ، مگر دو ذلیل تر یعنی خر ، و میخ ، چه خر به ریسان بالیه خود بر مذلت مربوط است ، و میخ را زده میشود ، و حال آنکه هیچ احدی برایش رحم نمیکند .